

تحولات تاریخی شرایط قانونی و شرعی زوجین در احوال شخصیۀ ارامنه گریگوری ایران

عذرا خاتمی^۱، حسین حیدری^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۳/۳ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۶/۱۱)

چکیده

ارامنه گریگوری ایران و دیگر مناطق جهان بر خود می‌بالند که در سال ۳۰۱ میلادی مسیحیت در ارمنستان به دستور تیرداد سوم اشکانی (۲۵۰-۳۳۰ م.)، سال‌ها قبل از دیگر کشورها، به‌عنوان دین رسمی اعلام شد و در نتیجه آیین‌ها و باورهای مسیحی در قوانین مدنی آنان حاکم گردید. با وجود این، موقعیت جغرافیایی خاص ارمنستان و مهاجرت‌های اجباری آنان به داخل ایران و اقامت در قلمرو امپراتوری عثمانی موجب شد تحولات بسیاری در ترکیب فرهنگ، دین و قوانین آن به وجود آید به گونه‌ای که به‌رغم نسبت جمعیتی اندک از مسیحیان جهان، دارای هویت مختص خود باشند. این مقاله به بررسی تحولات تاریخی شرایط قانونی زوجین در احکام شخصیۀ ارامنه گریگوری ایران می‌پردازد و شرایط زوجین، از جمله دایرة حرمت اقارب سببی و نسبی، را در آثار کلاسیک حقوقی ارامنه جست‌وجو و مقایسه می‌کند. مهم‌ترین منابع بررسی شده در این مقاله عبارت‌اند از: کتاب مقدس، قوانین رسولان، سنت کلیسایی، تصمیمات شوراهای جهانی و نیز کتاب داداستان از مخیتار گُش و کتاب حقوق کلیسای ارمنیان و مقررات «احوال شخصیۀ» ارامنه از ملیک تانگیان. چنان‌که در مقاله دیده می‌شود ارامنه گریگوری بیشترین دایرة محارم را دارند.

واژگان کلیدی: حقوق ارامنه گریگوری، محارم سببی و نسبی، شرایط قانونی زوجین، احوال شخصیۀ اقلیت‌های ایران.

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد ادیان و عرفان دانشگاه کاشان؛ Email: O_khatami@yahoo.com

۲. دانشیار گروه ادیان و عرفان دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول)؛ Email: heydari@kashanu.ac.ir

۱. مقدمه

ارمنیان از گروه‌های قومی ساکن در ایران و منطقه قفقاز هستند. تاریخ تشکیل دولت واحد ارمنی در منطقه قفقاز به سده دوم ق.م. بازمی‌گردد. هرچند بنا بر سنت ارمنی دو حواری عیسی (ع) به نام‌های تادئوس و بارتولمئوس دین مسیحیت را در میان آنان رواج دادند، ولی گریگور مقدس فرزند آناک، از شاهزادگان پارتی، بزرگ‌ترین مبلغ آیین مسیح در ارمنستان بوده است و از این رو شاخه مسیحی عمده ارمنستان را گریگوری می‌نامند (رضا، ۱۳۹۸). در زمان پادشاهی تیرداد در سال ۳۰۱ م. بود که مسیحیت به‌عنوان دین رسمی کشور اعلام شد (سیمونی، ۱۴۰۰)، در حالی که ۲۳ سال بعد در امپراتوری روم اعتقاد به مسیحیت آزاد اعلام شد (Nersoyan Tiran, Vol. I, 414). و در سال ۳۸۳ دین رسمی دولت روم گردید (ناس، ۶۳۳). در ۱۰۱۲ ق. / ۱۶۰۳ م. شاه عباس اول صفوی بنا بر مصالح نظامی شمار زیادی از آنان را به اجبار به مرکز ایران، عمدتاً در اصفهان و فرح آباد ساری، کوچانید (متقی، ۱۳۹۸). در حال حاضر نیز حدود ۹۰ هزار ارمنی در حاکمیت جمهوری اسلامی به سر می‌برند (نتایج تفصیلی سرشماری، ۱۴۵).

این مقاله به بررسی میانی و تحلیل و مقایسه حقوق مدنی ارمنیان ایران درباره شرایط زوجین به‌ویژه در باب کستره اقارب سببی و نسبی از زمان پذیرش مسیحیت تاکنون پرداخته است. دستیابی به منابع ارمنی قدیم یکی از دشواری‌های کار بود. از طریق انتشارات آمازون کتاب *داد/استان* نوشته متفکر ارمنی مخیتار گُش، تألیف قرن دوازده میلادی، شده تهیه شد و نیز کتاب *حقوق کلیسای ارمنی* تألیف نرسس ملیک تانگیان اسقف اعظم ارامنه تبریز، که اولین بار در سال ۱۹۰۳ در شهر قره‌باغ (شوشای امروز) به زبان ارمنی منتشر شد، در دسترس است. از منابع جدید نیز مجموعه مقررات «احوال شخصیه» ارامنه توسط اسقف ارامنه آذربایجان به نام نرسس ملیک تانگیان منبع مقاله قرار گرفت. این اثر خوشبختانه در سال ۱۳۸۰ به فارسی ترجمه شد و با اعمال اصلاحات در سال ۱۳۸۹ به طبع رسید و در این جستار مرجع نگارندگان بوده است. بر اساس سه اثر حقوقی کلاسیک مذکور، مصاحبه‌های حضوری و... تحولات حقوقی ارمنیان ایران مقایسه شده است. تاکنون اثری تطبیقی در باب موضوع مقاله منتشر نشده است.

۲. تعریف اصطلاح ازدواج

ازدواج به معنای جفت‌شدن است، و از نظر حقوقی عبارت «از رابطه حقوقی است که

به وسیله عقد بین مرد و زن حاصل می‌گردد و به آن‌ها حق می‌دهد از یکدیگر تمتع جنسی ببرند» (امامی، ۲۶۸). مطابق تعریفی دیگر «نکاح عقدی است که به موجب آن زن و مردی به منظور تشکیل خانواده و شرکت در زندگی با هم متحد می‌شوند» (کاتوزیان، ۳۵). از نظر جامعه‌شناسی «ازدواج ارتباطی را می‌رساند که در مقایسه با دیگر ارتباطات انسانی دارای تاملی بی‌نظیر است. دیگر ارتباطات انسانی هر یک بعدی از ابعاد حیات را می‌پوشانند حال آنکه زوجیت دارای ابعاد زیستی اقتصادی عاطفی و نیز روانی و اجتماعی است» (ساروخانی، ۲۶) و هدف غایی ازدواج تشکیل خانواده است که با حضور فرزندان کارکرد کامل‌تری می‌یابد: «خانواده گروهی از اشخاص است که با پیوندهای خویشی مستقیم به هم متصل می‌شوند و اعضای بزرگسال آن مسئولیت نگهداری کودکان را بر عهده دارند» (گیدنز، ۲۵۲).

۳. شرایط قانونی همسران در میان ارمنیان

۳-۱. شرایط بلوغ برای زوجین

منظور از قابلیت صحتی برای ازدواج در کتب حقوقی سن ازدواج و مشخصاً بلوغ است و عبارت است از استعداد جسمی و روحی زن و مرد و به تعبیری رسیدن به سنی است که هر دو از لحاظ جسمی توانایی تولیدمثل و فراتر از آن اداره زندگی مشترک را داشته باشند. در ابتدای شکل‌گیری مسیحیت به دلیل بروز جنگ و نزاع‌ها و تلفات فراوان در جریان جنگ‌ها و همچنین به سبب بیماری‌ها، لزوم افزایش زاد و ولد بسیار محسوس بود. به همین دلیل، معمولاً ازدواج‌ها به منظور افزایش جمعیت در سنین پایین بود و بسیاری از دخترها در سن چهارده سالگی ازدواج می‌کردند (هولم، ۹۱).

به طور خاص، در میان ارامنه گریگوری قدیم سن ازدواج در احکام مذهبی در زمان‌های متفاوت تغییراتی داشته است: «در اوایل قرن سیزدهم با تصمیم شورای سیس (Sis) طبق قانون شماره ۷ از مصوبات این شورا داماد نباید کمتر از چهارده و عروس نباید کمتر از دوازده سال داشته باشند»^۱ (تانگیان، ۳۹۴). از سوی دیگر، قریب همان زمان مخیتار گُش گرچه در کتاب خود برای ازدواج سنی را مشخص بیان نمی‌کند، اما ازدواج در سنین پایین و پیش از بلوغ را به دلیل عدم شناخت فرد از تمایلات غریزی

۱. مخیتار گُش در پاورقی صفحه ۱۲۹ کتاب داداستان می‌نویسد: «طبق نظر نرسس شنورهالی در منشور پایی خود برای ازدواج مرد باید در سن پانزده و زن در سن دوازده سالگی باشد» (GoS, 129).

خود مجاز نمی‌شمارد و اگر کسی این کار را انجام دهد از جامعه کشیشان اخراج می‌شود و باید غرامت صددرم به کلیسا بپردازد. چنین شخصی می‌تواند بعد از رسیدن به بلوغ با هر که بخواهد ازدواج کند و ازدواج بدون آشنایی را نیز تحذیر می‌کند چراکه مشخص نیست که آیا آن‌ها به طور کلی یکدیگر را بخواهند یا با هم توافق داشته باشند (GoS, 238).

در سده ۱۹ م. در ماده ۶۳ قانون ملی پولونیا به سال ۱۸۳۶ م. ازدواج افراد ذکور کمتر از ۱۸ و اناث کمتر از ۱۶ ممنوع اعلام شد. این ماده قانونی، افراد کلیسای روم کلیسای انجیلی و کلیسای ارمنی گریگوری را دربرمی‌گیرد (تانگیان، ۶۳۹). ماده ۲۵ احوال شخصیه^۱ ازدواج بین کسانی را جایز می‌داند که به سن جایز برای ازدواج - برای اناث ۱۵ و برای ذکور ۱۸ سال - رسیده باشند: «و اگر سن آن‌ها از این میزان کمتر باشد، کشیش خطبه عقد را نمی‌خواند و ازدواج صورت نمی‌گیرد (ضیایی، ۲۰۱). در حال حاضر ۶۰٪ آرامنه سن مناسب ازدواج را برای پسر بین ۳۰-۲۵ و برای دختر ۲۳-۲۰ سال می‌دانند (همو، ۲۰۱).

۳-۲. سلامت جسمی و روانی

اطلاع مستند از سلامت طرفین نکاح از بایسته‌های پیش از ازدواج است به نحوی که پنهان‌کاری طرف بیمار و به تبع آن انجام نامزدی یا ازدواج و آشکارشدن بیماری پس از آن حق فسخ یا طلاق را برای طرف مقابل ایجاد می‌کند و به او حق طلب خسارت مادی و معنوی می‌دهد. در ماده ۲۲ از قوانین ازدواج منتشرشده بع سال ۱۸۷۵ م. آمده است که باید به سلامت هر دو توجه کنند تا بعداً باعث نگون‌بختی نشود، زیرا ازدواج پیمانی است فسخ‌ناپذیر برای زندگی مشترک تا زمان مرگ (تانگیان، ۵۶۲). همچنین، در رأی صادرشده از سوی سینود (شورای دینی) اچمیازدین در اوایل قرن بیستم از جوانانی که قصد ازدواج دارند باید گواهی پزشکی مطالبه شود (همو، ۹۳۴). در احوال شخصیه در ماده ۲۲ بیان شده است که ازدواج اشخاص مختل‌المشاعر و مبتلا به امراض مسری ممنوع است. از اشخاصی که قصد ازدواج دارند گواهی پزشکی مطالبه می‌شود.

۳-۳. اجازه ولی در ازدواج

اجازه پدر به‌عنوان ولی قهری فرزندان چه به لحاظ قانونی - چنان‌که در قانون مدنی

۱. احوال شخصیه [یا گدسیویل] اصطلاح حقوقی به معنی مجموع اوصاف و خصوصیات است که وضع و هویت شخص و حقوق و تکالیف او را در خانواده و اجتماع معین می‌کند (گوینده، ۱۳۹۹).

ماده ۱۰۴۳ آمده است و ماده ۱۵ آیین‌نامه احوال شخصیه زرتشتیان بر آن اشعار دارد - و چه به لحاظ تبعیت از قانون مدنی در هنگام سکوت احوال شخصیه ارامنه گریگوری حاکی از لزوم آن برای انعقاد ازدواج است.

در مسیحیت عام در قرون وسطی اگر طرفین عقد ازدواج هر دو بالغ بودند در آن صورت کلیسا برای ازدواج معتبر رضایت پدر و مادر یا قیم را غیر ضروری می‌دانست (دورانت، ۲۴۹۷). اما در میان ارامنه گریگوری در نظری متفاوت با قول مذکور حکم اولیه این بود که برای ازدواج دختر اجازه اولیا لازم است و بر اساس ماده ۳۸ قوانین بازیل اگر دختر بدون اجازه پدر با کسی ازدواج کند مرتکب زنا شده است و اگر با پدرش آشتی کند باید ۳ سال توبه نماید و سپس به فیض عشای ربانی نائل گردد (تانگیان، ۲۱۱). از قرن ۱۳ م. به بعد به حکم نرسیس شنورهایلی - از جاثلیق‌های ارمنی معروف قرن ۱۳ م. - رضایت اولیای زن و مرد هر دو لازم دانسته شده و ازدواج بدون رضایت آنان قبیح و قابل ابطال است (آوانسی، ۸).

امروزه رضایت والدین پسر و دختر لازم است. از نظر اهمیت، اول رضایت پدر زوجه سپس پدر زوج است. هر چند رضایت پدر زوجه لازم است، اما گاهی مخالفت او باعث عدم حضور وی است که در این حالت نیز عقد صورت می‌گیرد. از دیگر لوازم عقد، حضور پنج شاهد است: دو نفر معرف از طرف دختر و سه نفر شاهد از طرف پسر، که از بین آنها یکی سافدوش است. رضایت پدر زوجه شرط اول ازدواج است، اما اگر استثنائاً مخالف بود شخص دیگری به جای او می‌تواند امضا کند (زرگریان، «مصاحبه حضوری»).

احوال شخصیه ماده ۲۵ اجازه ولی را در موردی لازم می‌داند که شخص صغیر یا کبیر تحت قیمومت باشد. بر اساس همین ماده سن کبر قانونی ازدواج برای دختر ۱۵ سال و برای پسر ۱۸ سال است. از آنجا که احوال شخصیه اجازه و رضایت ولی را فقط برای دو مورد ضروری می‌داند و در غیر آن ساکت است، طبق قانون در موارد سکوت احوال شخصیه قانون مادر - یعنی قانون مدنی - حاکم است که بر اساس آن رضایت ولی شرط ازدواج است که با اندکی تسامح هم‌اکنون نیز این چنین عمل می‌شود.

۳-۴. رضایت طرفین نکاح

«کلیسا در قرن دوازدهم مقرر داشت که اعلام قصد مشترک، به عبارت دیگر رضایت زوجین جزء ضروری ازدواج است و این متضمن تساوی اساسی مرد و زن بود» (کونگ،

۷۶). در میان ارامنه مسیحی گریگوری قدیم ساهاک قدیس - از جاثلیق‌های معروف قرن ۴ و ۵ م. - دستور می‌دهد نامزدی با رضایت و توافق طرفین منعقد شود (تانگیان، ۹۱۱). در قوانین جاثلیق گئورگ چهارم مواد ۱۷ و ۱۹ که در بخش نامزدی گذشت و همچنین قانون سال ۱۸۷۵ م. در ماده ۲۰ به رضایت طرفین از نکاح اشاره دارد که در هنگام نامزدی کشیش اعترافی باید توجه نماید که آیا عروس و داماد به میل و اراده خود می‌خواهند با یکدیگر پیوند برقرار کنند یا به زور و علل دیگری مجبور به این تصمیم شده‌اند و ارجاع این ماده به ماده ۴۲ قانون بازیل و ماده ۲۹ دستور شنورهایلی دارد (همو، ۵۶۱). طبق ماده ۲۶ احوال شخصیه ازدواج باید بدون تقلب و تهدید و عنف و با ابزار اراده مستقل و آزاد و با آگاهی و سلامت عقلانی کامل به عمل آید.

۳-۵. هم‌کیش بودن زوجین

نظر پولس بر این است که «زن تا زمانی که شوهرش زنده است قسمتی از وجود اوست، ولی اگر شوهرش فوت کند می‌تواند دوباره ازدواج کند، اما فقط با یک مسیحی» (اول قرن‌تیان، ۷: ۳۹-۴۰). مخیتار گُش دخترگرفتن از کیش غیر مسیحیان و به آن‌ها دختردادن را روا ندانسته و عاملین چنین کاری را محروم از عشای ربانی می‌شمارد: «جایز نیست کسی که عضو کلیسای ماست دختران و پسرانشان وارد رابطه زناشویی ناشایست با خارجی‌ان شوند و با آن‌ها ازدواج کنند یا از آن‌ها زن بگیرند. اگر آن‌ها دختران و پسران خود را به کافران خارجی بدهند، هم ایشان و هم فرد دهنده از عشای ربانی محروم می‌شوند» (Goš, 220). بر حسب ماده ۳۰ احوال شخصیه، ازدواج شخص مسیحی گریگوری با شخص غیرمسیحی ممنوع است.

۳-۶. ممنوعیت ازدواج با خویشاوندان

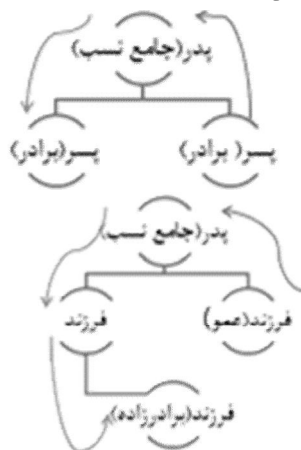
پیش از بیان ممنوعیت‌های ازدواج، ذکر مقدمه‌ای برای فهم معنای قرابت لازم است. قرابت به معنای خویشاوندی میان دو نفر است و بر سه نوع، که دو نوع آن در همه ادیان مشترک است: قرابت نسبی و قرابت سببی. قرابت رضاعی که در اثر شیرخوردن طفل از زنی که مادر طبیعی و نسبی او نیست، ایجاد می‌شود و مختص حقوق و فقه اسلامی است. دو شکل دیگر از قرابت هم در میان ارامنه وجود دارد: قرابت فرزندخوانده در میان ارامنه گریگوری و قرابت ناشی از تعمید در مسیحیت که قرابت معنوی یا روحانی نامیده شده است.

قرابت نسبی «عبارت است از رابطه‌ای که بین دو نفر به اعتبار تولد یکی از دیگری یا تولد آن دو از یک نفر به وجود می‌آید؛ این قرابت به اعتبار هم‌خون بودن افراد در نظر گرفته شده است» (امامی، ۲۶۲). قرابت نسبی شق اول یعنی تولد یکی از دیگری با واسطه یا بی واسطه - مثل قرابت فرزند با پدر یا اجداد - قرابت نسبی خط مستقیم است، و قرابت نسبی شق دوم که «به اعتبار داشتن نسب مشترک ایجاد شده است قرابت در خط اطراف گفته می‌شود و شخصی که این گونه خویشان از نسل او هستند، در اصطلاح جامع نسب گفته می‌شود. بنابراین، خویشی خواهر و برادر قرابت در خط اطراف و جامع نسب بین آن دو پدر و مادرشان است» (کاتوزیان، ۲۵).

«قرابت سببی عبارت است از خویشاوندی که به اعتبار زناشویی ایجاد می‌شود، مانند خویشاوندی هر یک از زوجین با اقربای نسبی دیگری» (امامی، ۲۶۵). اصطلاح دیگری که در حقوق خانواده و در این نوشتار و در احوال شخصیه ارامنه به کار رفته و برای فهم انواع قرابت در بین آنان ضروری است، اصطلاح درجه است.

درجه به معنای فاصله از حقوق فرانسه گرفته شده است. برای تعیین درجه قرابت باید اقربای در خط مستقیم و اطراف را جداگانه در نظر داشت. در خط مستقیم درجه قرابت به شمار نسل‌های واسطه میان دو شخص است، چنان که قرابت شخصی با فرزند خود درجه اول و با نواده خود درجه دوم است. در خط اطراف برای تعیین درجه قرابت بین دو شخص باید یکی را مبدأ قرار داد و از او به جامع نسب صعود کرد، سپس از جامع نسب به شخص دیگر پایین آمد (کاتوزیان، ۲۶).

با نموداری می‌توان این موضوع را روشن ساخت:



در نمودار اول قرابت دو برادر از درجه دوم است، و در نمودار دوم قرابت عمو و برادرزاده از درجه سوم است. پس از تبیین انواع قرابت، ممنوعیت‌های این دست قرابت‌ها برای ازدواج در گذشته و حال این دو اقلیت لازم به توضیح است. در مسیحیت ممنوعیت‌های مربوط به قرابت سه دسته هستند: قرابت نسبی، قرابت سببی، قرابت فرزند تعمیدی (قرابت معنوی یا روحانی). رابطه فرزندخوانده با پدر و مادرخوانده از زمره قرابت نسبی است هر چند هم‌خون نیستند. در قوانین گذشته:

از احکام شرع آن بود که ازدواج میان زن و مردی که تا چهار پشت نیاکان مشترک داشتند، جایز نبود. در این مورد کلیسا دست رد به سینه حقوق رومی زد و نظریه برونگانی را، که از ابداعات اقوام بدوی به‌منظور احتیاطی برای جلوگیری از فساد تدریجی نژاد بود، پذیرفت. شاید هم علت دیگر مخالفت کلیسا با وصلت بستگان نزدیک عدم رضایت از تراکم ثروت در دست عده‌ای قلیل و معدود بود (دورانت، ۲۴۹۷).

در کلیسای شرق، همانند کلیسای کاتولیک رم، سه نوع رابطه به‌عنوان موانع ازدواج مشروع وضع شده است، خویشاوندی نسبی یا هم‌خونی، خویشاوندی سببی یا به‌واسطه ازدواج، و خویشاوندی روحی (خویشاوندی تعمیدی و حقوقی فرزند خواندگی). در کلیسای شرق رابطه خویشاوندی عمو و دایی و برادرزاده و خواهرزاده از درجه سوم است و اولین عموزاده، عمه‌زاده، دایی‌زاده و خاله‌زاده از درجه چهارم هستند و ازدواج تا هفت نسبت پدری و مادری ممنوع است (Foley, 442).

قدیمی‌ترین احکام مربوط به قرابت و نسبت آن با ازدواج در منابع مورد استناد در حقوق قدیم کلیسای ارمنی منابع عمومی بوده که قانون رسولان جزو یکی از آن منابع قدیم است. در قانون ۳۳ از قوانین رسولان، که در ادامه می‌آید، مشخص می‌گردد چارچوب دوری و نزدیکی درجات در ازدواج را کلیسا از شریعت موسی اخذ کرده است. برای اینکه ازدواج بر اساس شریعت و تبرک کشیش انجام شود باید فرمان‌های اعطاء شده به موسی را رعایت کرد: «موسی در باب هجدهم سفر لاویان مقرر نمود که هیچ کس حق ندارد به پدر، مادر، زن پدر، خواهر تنی یا ناتنی، دختر فرزند، فرزند دختر، دختر زن پدر، عمه، خاله، عمو و زن عمو، عروس (زن فرزند پسر)، دختر پسر او (نتیجه)، زن برادر، دختر و نوه برادر، و دو خواهر نزدیک شود. موسی تا درجه چهارم خویشاوندی نسبی و درجه دوم قرابت سببی را ممنوع کرد» (تانگیان، ۷۶).

این قانون که بر پایه شریعت موسی استوار بود در میان ارمنه همچنان متبع بود تا

اینکه اولین فتوا را نرس کبیر در شورای آشتیشات^۱ (۳۶۵ م.) صادر کرد و «ازدواج بین خویشاوندان نزدیک را بدون تعیین درجات ممنوع اعلام کرد». شورای شاهابیوان در سال ۴۴۷ م. برای بار دوم این قانون را مقرر نمود: «هیچ کس به خود جرأت ازدواج با فرزند خواهر، فرزند برادر یا عمه یا خویشاوند را تا مولود چهارم به خود ندهد». چنین ازدواجی از اعتبار ساقط شده و عاقد - چه اسقف و چه کشیش - خلع می‌شوند. در قرون هفتم و هشتم درجهٔ چهارم کاملاً ممنوع اعلام شد (همان، ۹۲۳). بیان تفصیلی موضوع انواع قرابت و درجات ممنوع از ازدواج از دو کتاب مورداستناد ما (حقوق کلیسای ارمنی و داداستان مخیتارگوش) در پی می‌آید:

۷-۳. انواع قرابت در حقوق کلیسای ارمنی

در بخش پایانی کتاب حقوق کلیسای ارمنی، نرسس تانگیان تقسیم‌بندی جامعی از انواع قرابت صورت داده است و به بیان جداگانهٔ هر کدام از آن‌ها پرداخته است و ممنوعیت‌های ازدواجی هر کدام را طبق دستورالعمل هاکوب خریمتسی^۲ آورده است و درجات هر کدام از قرابت‌ها را در پایان به صورت جزئی بیان داشته است که خلاصه‌ای از آن ذکر می‌گردد.

۱-۷-۳. قرابت نسبی در کتاب حقوق کلیسای ارمنی

«خویشاوندان، اخلاف مذکر و مؤنثی هستند که رابطهٔ خونی با هم دارند و از یک پدر زاده شده‌اند. حدود دوری و نزدیکی در ازدواج‌های میان خویشاوندان از دورهٔ یونانی - رومی تنظیم شد، خطوط و درجات معین شدند و به‌وسیلهٔ آن‌ها تشخیص درجات ممنوعیت به آسان‌ترین مشکل ممکن شد. درجه یا ناف به رابطهٔ فردی با فرد دیگر از طریق تولد اطلاق می‌شد و ارتباط بین درجات خط را به وجود می‌آورد» (تانگیان، ۹۱۹). در تعیین و تشخیص درجات به چند نکته باید توجه کرد:

الف. مرد وزن [پدر و مادر] درجه‌ای تشکیل نمی‌دهند، آن‌ها یک بدن محسوب

1. Ashtishst

2. Hacop Ghrimesi/Ghrimetsi یا Xrimesi (۱۲۲۶ - ۱۳۶۰ م.)

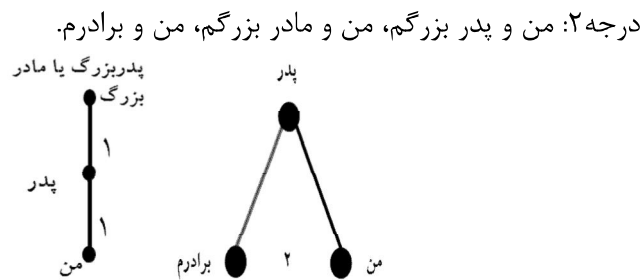
وی با استفاده از قوانین نرسس شنورهالی نمودار ممنوعیت‌ها را تنظیم کرده است. نمودار تنظیمی او به دستورالعملی کلی تبدیل شده است؛ زیرا به تفصیل دربارهٔ درجات ممنوعیت مربوط به خویشاوندی، قرابت سببی، رابطهٔ تعمیدی، نا تنی و فرزند خواندگی سخن می‌گوید.

می‌شوند. بنابراین، مرد وزن را باید پیوسته حساب کرد.
 ب. فرزندان: پسر و دختر، نسبت به والدین از درجه اول هستند.
 ج. فرزندان: پسر و دختر، نسبت به یکدیگر از درجه دوم هستند.
 د. فرزندان یک پدر و نامادری یا یک مادر و ناپدری هم [فرزندان] یک مادر و یک پدر هستند و باید مانند درجه خویشاوندان حساب کرد (همان، ۹۱۹).

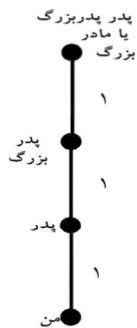
● خطوط قرابت: تعریف خط از نظر نرسس تانگیان همان تعریفی است که در کتاب‌های حقوقی بیان شده است. «خط از فردی شروع می‌شود که فرزند از او زاده می‌شود، از او نیز به فرد بعدی و به طور مداوم به طرف نوه‌ها و نتیجه‌ها پایین می‌رود. این خط، خط نزولی نامیده می‌شود. وقتی از نتیجه به طرف بالا، به طرف پدر، پدربزرگ و پدربزرگ پدربزرگ حساب می‌کنیم، خط حاصله خط صعودی نامیده می‌شود. وقتی که نه با خط قائم بلکه در جهات کناری حساب می‌کنیم یعنی به طرف برادران، خواهران، عموها و عمه‌ها خط اطراف حاصل می‌شود» (همان، ۹۱۹).

در ماده ۲ احوال شخصیه نیز خطوط تقریباً به همین صورت ترسیم شده‌اند: ۱. خط عمود نزولی: اولاد و اولاد اولاد تا هر درجه که پایین رود؛ ۲. خط عمود صعودی: ابوین، اجداد و اجداد اجداد تا هر درجه که بالا رود؛ ۳. خط افقی: برادر، خواهر، اعمام و عمات و احوال و خالات و اولاد آن‌ها.

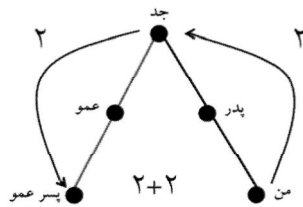
● درجات قرابت نسبی: درجات ذیل به نقل از کتاب حقوق کلیسای ارمنی است که چند نمونه از درجات اقربای نسبی را که در نسبت با یکدیگر تعداد بالایی را تشکیل می‌دهند، ذکر کرده است که برای تبیین بیشتر نمودار برخی از آن‌ها نیز ترسیم شد.
 درجه ۱: من و مادرم، من و پدرم.



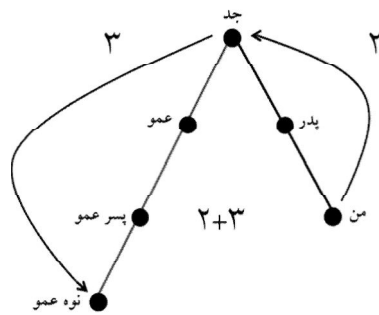
درجه ۳: من و پدر پدربزرگم، من و پدر (مادر) مادربزرگم.



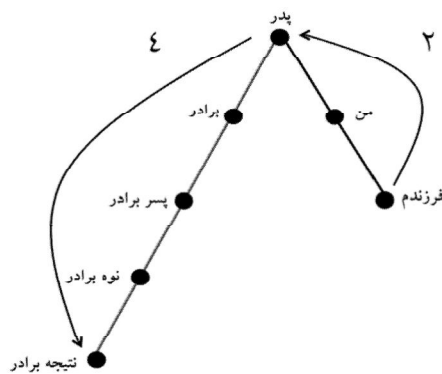
درجه ۴: من و پدربزرگ پدربزرگم، من و مادربزرگ مادربزرگم، من و پسر عمویم، من و دختر خاله‌ام.



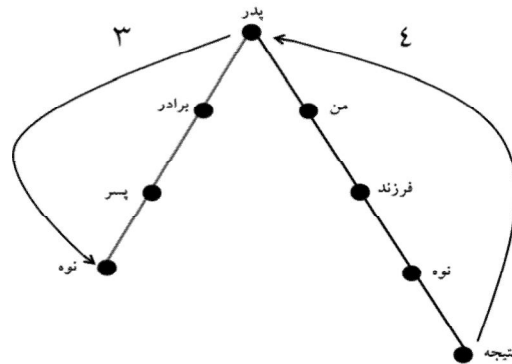
درجه ۵: من و نوه عمویم، فرزندم و پسر خاله‌ام، نوهام و برادرزاده‌ام.



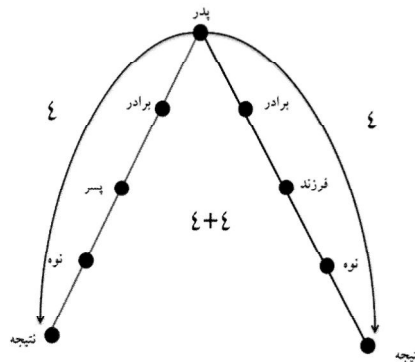
درجه ۶: نوهام و نوه برادرم، فرزندم و پسر نوه برادرم، پدربزرگم و نوه برادر پدربزرگم.



درجه ۷: نتیجه‌ام و نوه برادرم، نتیجه مادربزرگم و نوه‌ام.



درجه ۸: نتیجه نوه عمویم، نتیجه‌های دوبرادر (تانگیان، ۹۳۲).



طبق بند ب ماده ۲ احوال شخصیه درجات قرابت عبارت‌اند از:

۱. اقربای نسبی درجه اول: ابوین و اولاد؛
۲. اقربای نسبی درجه دوم: اجداد، اولاد اولاد، خواهران و برادر؛
۳. اقربای نسبی درجه سوم: ابوین اجداد، اولاد اولاد اولاد، اولاد خواهران و برادران، اعمام، عمات، احوال و خالات؛
۵. اقربای نسبی درجه چهارم: اولاد اولاد خواهران و برادران، اولاد اعمام و عمات و احوال و خالات، خواهران و برادران اجداد.

از آنجا که طبق برخی قوانین مذکور در کتاب حقوق کلیسای ارمنی، ازدواج اقربای نسبی از درجه ۹ و ۱۰ مجاز بوده، درجات قرابت ممنوع از ازدواج تا درجه هشتم ذکر شده و درجات دو طرف در نسبت با یکدیگر سنجیده شده است که مجموع آن منع ازدواج را ایجاد می‌کرده است. اما در احوال شخصیه چون اجازه ازدواج از درجه پنجم و دورتر داده شده است به ذکر درجات تا درجه چهارم اکتفا شده است و تنها درجه یک طرف در خط

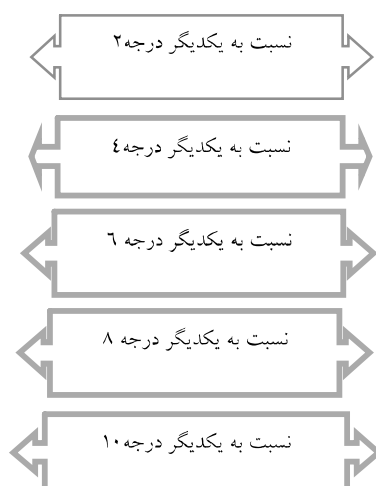
مستقیم و بدون در نظر گرفتن نسبت با دیگری در خط اطراف بیان شده است.

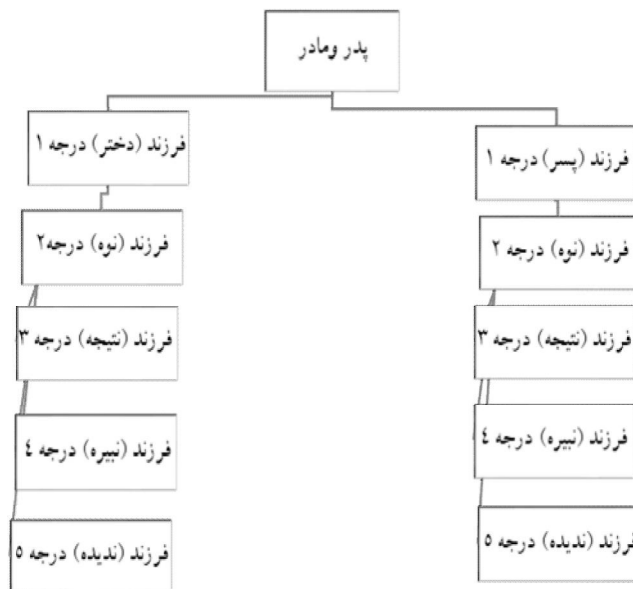
۳-۷-۱. ممنوعیت‌های ازدواج در اقارب نسبی

در میان اقربای نسبی فوق از نظر ها کوپ خریمسی (د. ۱۴۲۶ م.) ممنوعیت‌ها این‌گونه بیان شده است:

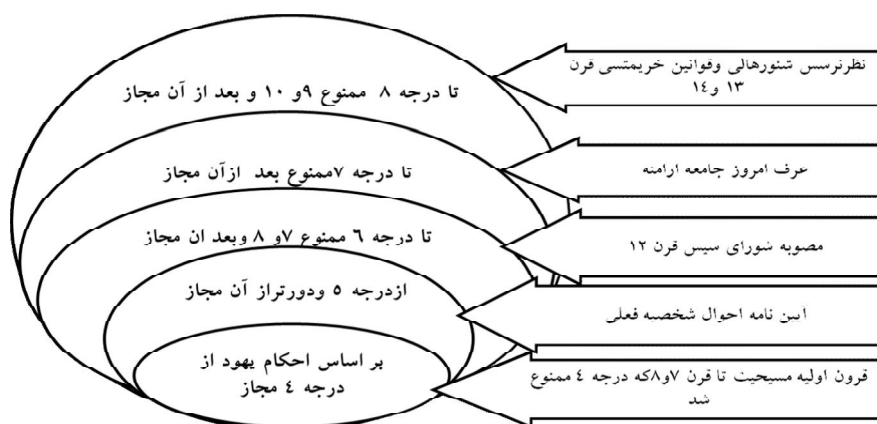
دو برادر از یک پدر خون پدر خود را نصف می‌کنند، فرزندان آنان سه بخش خون را و فرزندان آنان دو بخش خون را و فرزندان آنان بیگانه شدند، چهار عنصر جدا شدند، باید با هم وصلت کنند چون چهار عنصر از یکدیگر دور شدند. بنابراین، فرزندان همه خون را دارند، نوه‌ها بخش سوم خون را، فرزندان نوه‌ها بخش دوم خون را، نوه‌های نوه‌ها فقط یک بخش. در اینجا خون تمام می‌شود. فرزندان اینان که نبیره‌ها هستند همدیگر را می‌گیرند یعنی درجه ۹ با درجه ۱۰ (تانگیان، ۹۳۱).

نرسس تانگیان نظر وی را همانند نظرات نرسس شنورهالی می‌داند که وی نیز به ازدواج از درجه ۱۰ اجازه می‌داد. اما بر اساس قوانین شورای سیس به سال ۱۲۰۴ م. قانون شماره ۷ ازدواج بین کسانی که از نظر رابطه خونی شش درجه از یکدیگر دورند نمی‌تواند انجام شود. نرسس تانگیان بر این قانون توضیحی افزوده است: «این قانون مشهورترین قانون در ارتباط با روابط خویشاوندی مربوط به ازدواج است و تا امروز هم معتبر است، اگر چه پیش از آن شنورهالی ازدواج خویشاوندان خونی را در ۱۰ درجه مجاز شمرد، ولی مردم کاملاً از ۱۰ درجه دور ماندند و تا امروز هم هفت پشت نقطه نهایی منع و درجه جواز به حساب می‌آید» (همو، ۳۹۴-۳۹۵).





نمودار فوق بیانگر درجات قرابت نسبی است که ازدواج آن‌ها از نظر نرسس شنورهای و قوانین هاکوپ خریمتسی تا درجه ۸ ممنوع بوده و از درجه ۹ و ۱۰ به بعد ازدواج مجاز بوده است (درجات دو طرف با هم جمع می‌شود تا درجه برای جواز یا عدم جواز ازدواج تعیین شود). اما از نظر قوانین مجمع سیس از درجه ۷ به بعد یعنی نیره‌ها مجاز به ازدواج بودند، و در قانون احوال شخصیه فعلی آرامنه از درجه پنجم و دورتر اجازه ازدواج دارند. اما چنان‌که وکلای ارمنی اظهار داشته‌اند، این بدین معناست که درجات قرابت نسبی جمع می‌شود و مجموع آن نباید ۵ یا کمتر از آن باشد، و بعد از درجه پنج مجاز به ازدواج است و درجه پنج مجاز نیست. نکته حائز اهمیت در این زمینه این که محدوده ممنوعیت‌ها در قرن‌های اولیه مطابق با احکام عهد عتیق چندان گسترده نبود. به تدریج ممنوعیت‌ها بیشتر می‌شود و نکاح با پشت چهارم ممنوع می‌شود و دایره همچنان گسترش می‌یابد تا درجه ۸ را شامل می‌شود، اما بعدها از گستره آن کم می‌شود و تا پشت هفت را در بر می‌گیرد، و در آیین‌نامه احوال شخصیه ماده ۲۸ که ازدواج اقربای نسبی را تا درجه چهار ممنوع ساخته است و از درجه ۵ و دورتر را جایز می‌شمارد.



محدوده ممنوعیت های ازدواج اقربای نسبی
از قرون اولیه مسیحیت ارمنی گریگوری تا کنون

۳-۷-۲. قرابت سببی در کتاب حقوق کلیسای ارمنی

ارتباط دو خانواده از طریق ازدواج باعث ایجاد قرابت سببی میان افراد دو خانواده می‌گردد. اقربای سببی عبارت‌اند از: ۱. شوهر و خویشاوندان زنش؛ ۲. خویشاوندان زوجین؛ ۳. یکی از زوجین و مولودهای خط نزولی فرد دوم از ازدواج قبلی (فرزندان ناتنی). در قرابت سببی نسبت داماد به خویشاوندان عروس از همان درجه‌ای است که عروس نسبت به افراد هم‌خون خود دارد و عروس نسبت به افراد هم‌خون داماد از همان درجه‌ای است که داماد نسبت به خویشاوندان خود دارد. در هر مورد عروس و داماد نماینده یک بدن و یک درجه‌اند؛ اما عروس و داماد، اگر درجات خویشاوندان دو طرف را حساب کنیم، درجات جداگانه‌ای تشکیل می‌دهند.

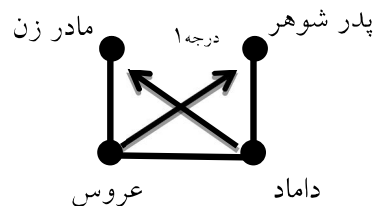
درجات را همیشه با خطوط عمودی و مورب حساب می‌کنند. ازدواج مرد و زن با خط افقی نمایش داده می‌شود (تانگیان، ۹۲۰-۹۲۱). در ماده ۲ احوال شخصیه قرابت سببی نوعی رابطه خانوادگی توصیف شده که در نتیجه ازدواج دو نفر بین زوج و اقربای نسبی زوجه و بین زوجه و اقربای نسبی زوج و بین اقربای نسبی زوج و زوجه با یکدیگر ایجاد می‌شود.

۳-۷-۱. درجات اقربای سببی

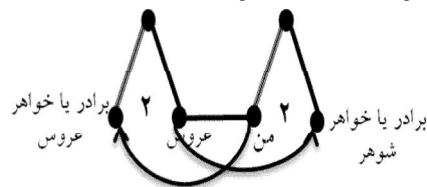
نرسس تانگیان حالت‌های گوناگون درجات اقربای سببی را، البته نه به شکل کامل، در

کتاب خود آورده است که برای فهم بهتر آن‌ها نگارندگان نمودار برخی را ترسیم کرده‌اند به شرح زیر:

۱. من و مادرزمن، عروس و پدرشوهر



۲. من و برادرزمن، عروس و برادرشوهرش



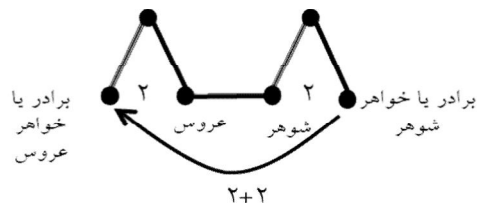
درجه زن و شوهر یکی است و نسبت به اقربای نسبی طرف دیگر از همان درجه همسر خود برخوردارند.

۳. من و نوه پدرزمن، من و مادرزن برادر

۴. من و خواهر زن برادرم، من و خواهر دامادم.

۵. من و فرزند خواهر زن برادرم، من و دختر خواهر دامادم (تانگیان، ۹۳۳).

بند الف ماده ۴ احوال شخصیه می‌گوید درجات قرابت سببی با جمع کردن درجات طرف زوج با درجات طرف زوجه تعیین می‌شود، مثلاً قرابت سببی خواهر زوجه و برادر زوج از درجه چهارم است (۲+۲)

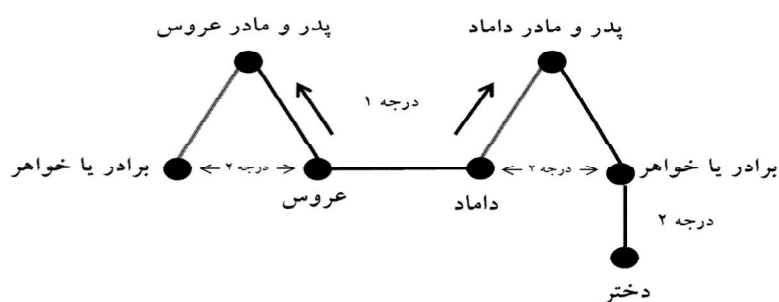


۳-۲-۷-۲. ممنوعیت‌های ازدواج با اقربای سببی

ممنوعیت ازدواج درجات مربوط به قرابت سببی در کلیسای یونان تا قرن ۸ م. تا درجه چهارم بود. در سال‌های ۱۰۰۱-۹۹۷ م. در روزگار سبسیسین پاتریارک قسطنطنیه تا درجه ششم منع شد. درباره قرابت سببی در قوانین کلیسایی ارمنی قانونی که به طور مشخص مطلبی گفته باشد وجود ندارد. قوانین شورای شاهابیوان درجه دوم را منع می‌کند. قوانین شورای دوین در قرن ۸ م. درجه چهارم را به طور کلی منع می‌کند و فقط درجه پنجم را - چه در خویشاوندی و چه در قرابت سببی - مجاز می‌داند (تانگیان، ۹۲۵-۹۲۶).

هاکوپ خرمسی در قرن ۱۴ م. درباره قوانین ازدواج می‌گوید: «قرابت سببی نه خویشاوندی جسمانی است و نه روحانی، برای همین گذشتن دو ناف کافی است... و ناف سوم می‌تواند داماد شود». منظور خرمسی از «ناف» دو درجه با هم است، یعنی دو برادر یک ناف‌اند، دو نوه یک ناف. به عبارت دیگر، درجات نظیر دو طرف یکی حساب می‌شوند. به دو ناف قرابت سببی - که ۴ درجه است - اجازه نمی‌دهد، به پنجمی اجازه ازدواج می‌دهد» (همو، ۹۳۱).

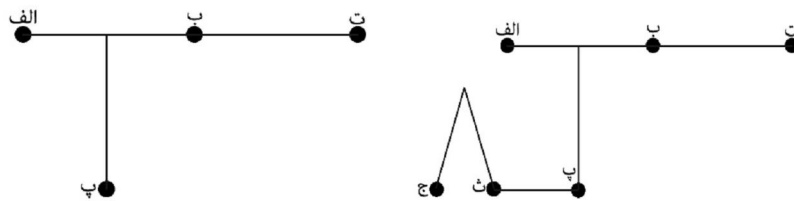
در قرن ۱۸ م. مرقومه جاثلیق آبراهام - که به سال ۱۷۳۴ نگاشته شده است - به روشنی مقرر می‌دارد ازدواج در درجه پنجم قرابت سببی مجاز است. آخرین تصمیم‌گیری مربوط به پدر خرمیان در سال ۱۸۹۹ م. است که بر اساس آن ازدواج از درجه پنجم قرابت سببی مجاز شمرده شد (همو، ۵۹۱). در احوال شخصیه در بند ب ماده ۴ رابطه سببی از موانع نکاح به شمار نمی‌رود، جز در رابطه زوجه با پدرشوهر و زوج با مادرزن هر دو از درجه اول است (۱+۰).



۳-۲-۷-۳. قرابت فرزندان ناتنی

این شکل از قرابت «هم وارد خویشاوندی و هم وارد نسبت سببی می‌شود و در حد وسط

این دو قرار می‌گیرد. درجات آن را باید طبق قاعده کلی حساب کرد. مثلاً الف مرد و ب همسر اوست و پ پسرش؛ الف می‌میرد و ب با ت - یعنی مردی دیگر - ازدواج می‌کند. پ پسر آمده یا آورده نامیده می‌شود و پسر ناتنی نسبت به پدر جدید (ت) است:



پسر ناتنی (پ) نسبت به پدر جدید (ت) یک درجه تشکیل می‌دهد. پ با ت ازدواج می‌کند. برادر ث - یعنی ج - نسبت به پ از درجه سوم خواهد بود» (تانگیان، ۹۲۲). در احوال شخصیه ماده ۵ به این نوع قرابت می‌پردازد. قرابت غیرصلبی یا غیربطنی ممکن است به یکی از علل ذیل ایجاد شود: الف. قرابت ممکن است غیرصلبی و غیربطنی کامل باشد و آن عبارت است از رابطه‌ای خانوادگی که بین اشخاص غیرهم‌خون، در نتیجه ازدواج مجدد والدینشان ایجاد می‌شود. به این ترتیب، اولادی که از ازدواج قبلی زوج و ازدواج قبلی زوجه متولد شده‌اند نسبت ناپدری و ناخواهری با یکدیگر پیدا می‌کنند و رابطه آن‌ها با زوج یا زوجه، رابطه نامادری یا ناپدری است؛ ب. قرابت غیرصلبی یا غیربطنی کامل عبارت از رابطه‌ای خانوادگی بین خواهر و برادرانی که فقط به واسطه یکی از والدین با یکدیگر هم‌خون هستند، یعنی دارای پدر مشترک و مادرهای متفاوت یا مادر مشترک و پدرهای متفاوت هستند.

۳-۷-۲-۴. ممنوعیت ازدواج بستگان ناتنی

در میان ارامنه ناتنی بودن بیشتر از قرابت سببی، با خویشاوندی ارتباط دارد. ناتنی بودن را با توجه به نوع آن باید یکی دو درجه بیشتر از قرابت سببی، با خویشاوندی ارتباط دارد. مثلاً اگر درجات ناتنی بودن در محاسبه ساده ۶ است، باید ۷ حساب کرد نه ۶. نتیجه‌های ناتنی از درجه ۶ هستند، ناتنی بودن یک درجه به این حساب اضافه می‌کند و آن را به ۷ می‌رساند به نحوی که نتیجه‌های ناتنی می‌توانند با هم ازدواج کنند. در ناتنی بودن فقط مؤلفه پدری اهمیت دارد، یعنی وقتی فرزندان از دو پدر و یک مادرند. اما اگر فرزندان از

دو مادر و یک پدرند این ناتنی بودن را باید مانند درجات خویشاوندان تنی حساب کرد (تانگیان، ۹۲۵).

هاکوپ خریمسی درباره دختران و پسران ناتنی بر این نظر بود که «این را باید دانست که نیمه برادران و نیمه خواهران هستند که ناتنی نامیده می‌شوند، و به دو صورت است: در یک حالت از دو مادر و یک پدرند. این‌ها تنی هستند و... نبیره‌های آن‌ها همدیگر را می‌گیرند». یعنی درجه ۹ می‌تواند با درجه ۱۰ ازدواج کند، «اما اگر از دو پدر و یک مادرند این‌ها نصف خون را دارند چون زن نصف است. فرزندان او نمی‌توانند خون پدر را به طور کامل داشته باشند، نوه‌های آن‌ها می‌توانند با هم نسبت سببی برقرار کنند و نوه‌هایشان همدیگر را می‌گیرند»، یعنی درجه ۸ با درجه ۷. اینجا دو درجه کم می‌کند (همو، ۹۳۱).

در احوال شخصیه درباره ازدواج و درجات جایز برای ازدواج فرزندان ناتنی ماده‌ای وجود ندارد، اما آنچه در میان آن‌ها جاری است و عمل می‌شود این است که فرزند ناتنی نیز همچون فرزند تنی به شمار می‌رود و همان درجات تعیین شده برای آنان برای فرزندان ناتنی نیز صدق می‌کند.

۳-۷-۳. قرابت فرزند تعمیدی در کتاب حقوق کلیسای ارمنی

آغاز رابطه بین پدر تعمیدی و فرزند تعمیدی - که در زبان ارمنی «سان» نامیده می‌شود - به زمان رسولان بازمی‌گردد. در آن زمان، به دلیل روی آوردن غیرمسیحیان به دین مسیحیت نیاز به تعمید و آشنایی آنان با تعالیم مسیح احساس شد. با گذشت زمان و افزایش تعداد مسیحیان، فرزندان آنان می‌بایست تعمید می‌یافتند. به دلیل ناتوانی والدین آن‌ها این وظیفه به افرادی با نام سارگاواگ^۱ محول شد تا فرزندان را تعمید داده و با روح مسیحی پرورش دهند. بدین ترتیب، این سارگاواگ‌های زن و مرد پدران و مادران تعمیدی فرزندان تعمید یافته شدند و با آنان خویشاوندی روحانی یافتند (تانگیان، ۹۲۷-۹۲۸).

۳-۷-۳.۱. درجات قرابت تعمیدی

«درجات روابط تعمیدی را چنین باید حساب کرد: ۱. پدر تعمیدی به عنوان پدر روحانی نسبت به سان در درجه اول واقع شده است؛ ۲. پدر تعمیدی به عنوان برادر والدین سان

۱. شخصی که از خادمان کلیساست و مرتبه‌اش از کشیش پایین تر است.

نسبت به آنان در درجه دوم است؛ ۳. پدر تعمیدی به عنوان عمومی سان نسبت به برادران وی در درجه سوم است؛ ۴. فرزندان پدر تعمیدی به عنوان برادران سان نسبت به او در درجه دوم هستند و نسبت به برادران سان به عنوان عموزاده در درجه چهارم» (تانگیان، ۹۲۷).

۲-۳-۷-۲. ممنوعیت ازدواج در قرابت تعمیدی

در قوانین کلیسای ارمنی درباره این مسأله چیزی نوشته نشده است. طبق مرقومه جاتلیق آبراهام سابق الذکر درجه هشتم روابط تعمیدی مجاز است. نریس پنجم به سال ۱۸۵۱ م. در فرمانی که برای سینود (شورای مذهبی)^۱ صادر کرد، این وضعیت را برطرف و مقرر کرد که درجه تعمیدی سه است که آن را باید با خط مستقیم فقط میان پدر تعمیدی و سان محاسبه کرد. درجات خط اطراف سان و پدر تعمیدی یعنی برادران، خواهران، عموها، عمه‌ها مشمول این محدودیت نمی‌شوند (همو، ۹۲۸).

در آیین نامه احوال شخصیه از درجات قرابت و ممنوعیت ازدواج میان درجات در ماده ۶ تنها به رابطه بین پدر تعمیدی و فرزند تعمیدی اشاره شده و ازدواج آن‌ها را ممنوع دانسته است و بر این اساس ازدواج میان باقی درجات این گروه بلامانع است.

۴-۷-۳. قرابت فرزند خواندگی در کتاب حقوق کلیسای ارمنی

قرابت فرزند تعمیدی مربوط به اوایل انتشار مسیحیت بود و بعدها فرزند خواندگی جای آن را گرفت و همان احکام قرابت تعمیدی برای فرزند خوانده نیز اعمال می‌شد و ممنوعیت ازدواج در خط مستقیم میان فرزند خوانده و پدرخوانده تا درجه سوم بود.

هاکوپ خریمسی برای فرزندخوانده مقرر می‌کند: «نوه‌ها قرابت سببی برقرار می‌کنند و نوه‌ها همدیگر را می‌گیرند چون فرزندخوانده با کلام و اراده می‌شود» یعنی ۶ درجه را منع می‌کند و درجه هفتم را با هشت مجاز می‌شمارد. شاخه فرزندخواندگی خط عمودی است، اونسبت به خویشاوندان خط اطراف فرزندخوانده و پدرخوانده برادر و خواهر ناتنی به شمار می‌رود» (تانگیان، ۹۳۱).

در احوال شخصیه بر اساس بند الف ماده ۳ حتی در صورتی که فرزندخوانده با پدر و مادرخوانده خود همخون نباشد قرابت نسبی بین آنان برقرار می‌شود و ممنوعیت ازدواج

۱- مجمعی مرکب از چهار اسقف و چهار مجتهد حوزه اچمیازین که چند سال پس از الحاق بخش شرقی ارمنستان به روسیه، در سال ۱۸۳۷ تشکیل شد و تا سال ۱۹۱۷ فعال بود.

همانست که برای اقربای نسبی گفته شد.

۳-۷-۵. قرابت رضاعی در کتاب حقوق کلیسای ارمنی

پدر گذشته قرابت رضاعی از جمله موانع ازدواج به شمار می‌رفت، چنان‌که مخیتار گُش در پاسخ به سؤالی دربارهٔ کسانی که با شیر یک مادر رشد کرده‌اند، نظر قضات را در این پرسش که کسانی که از شیر یک مادر پرورش یافته‌اند، در عین اینکه نسبتی با هم ندارند هنگامی که به بلوغ رسیدند، آیا مجاز به ازدواج هستند این‌گونه بیان می‌دارد، صحیح نیست چراکه والدین و دایه یکی محسوب می‌شوند (Goš, 239). در قرن ۱۴ م. جاثلیق هاکوپ خریمسی (۱۴۲۶-۱۳۶۰ م.) نیز در قوانین خود اشاره می‌کند «باید دانست که مبادا عروس و داماد از یک مادر شیر خورده باشند و اگر خورده‌اند خواهر و برادرند، نمی‌توانند ازدواج کنند» (تانگیان، ۹۳۱).

در احوال شخصیه، برخلاف گذشته، قرابت رضاعی مانعی بر سر راه ازدواج نیست. در یک جمع‌بندی، از دید نرسس تانگیان شرایط زوجین مشتمل بر نه مولفه بوده است، از جمله: رضایت طرفین، رضایت والدین، بالغ‌بودن، نبود زور و فریب از سوی طرفین، عدم رابطه با شخص ثالث و یکی از مهم‌ترین آن‌ها عدم ممنوعیت رابطهٔ نسبی و سببی و تعمیدی است (تانگیان، ۹۱۱).

۳-۸. ممنوعیت ازدواج با اقارب در دادستان

در کتاب دادستان مخیتار گُش آنچه دربارهٔ ممنوعیت ازدواج با اقارب بیان شده است اغلب با استناد به عهد عتیق و بند ۱۸ سفر لایوان بوده که درجاتی را که ازدواج با آن‌ها منع شده بیان می‌کند. اشکالی که بر او وارد است این است که به تفکیک دربارهٔ انواع قرابت‌ها سخن نگفته است و به بیان درجات ممنوع برای ازدواج اکتفا کرده است. وی در آغاز، ازدواج با خویشاوند بسیار نزدیک را بر اساس فرمان الهی پرهیز می‌دهد، زیرا به شکلی ویرانگر به بسیاری از شرور منتهی می‌گردد؛ این کار نه تنها موجب سردرگمی در شمار نسل‌ها می‌شود، بلکه مرتکب حرص و زیاده‌خواهی است که به گفتهٔ رسولان منشأ همهٔ شرور است (Goš, 255).

۳-۸-۱. ازدواج ممنوع با اقربای نسبی و سببی در دادستان

گُش با استناد به آیات باب ۱۸ سفر لایوان تحریم‌ها را بیان می‌کند «خداوند ازدواج با

پشت اول را تحریم کرد، سپس پشت دوم و می‌رسد به آنچه که ما آن را درجه می‌نامیم. گفت: مال خود را (خواهر خود) برهنه منما چراکه او خواهرت و از همان مادرت می‌باشد. پس از سخنانی چند اشارات بیشتری می‌کند هنگامی که می‌گوید: تو نباید عورت زن و دخترش را آشکار کنی یعنی زن و یک درجه بعد دخترش. نباید دختر پسرش را بگیری یعنی یک درجه بعد نه پسر و نه دختر دخترش را چراکه این بی‌تقوایی است» (Ibid., 257).

۳-۸-۲. ازدواج ممنوع با اقربای سببی در دادستان

قانون الاهی به ما می‌آموزد اینکه تو نباید عورت عروس خود را کشف نمایی و دختر دخترش یا دختر پسرش را بگیری با فرض اینکه پسر مرده و عروسش با مرد دیگری ازدواج کرده و پسری به دنیا آورده و او ازدواج کرده و دختری به دنیا آورده تو نباید دختر او را بگیری.... ازدواج شرعی از پشت پنجم آغاز می‌شود (Ibid., 258). ممنوعیت‌های دیگر ازدواج هم‌زمان با دو خواهر است: «تورات چنین می‌گوید دو خواهر را به زنی نگیر. قوانین می‌گویند خواهر زن به واسطه شوهر وارد نسبت خانوادگی می‌شود و از اینجا روشن می‌شود که هر نوع رابطه‌ای نسبت خانوادگی ایجاد می‌کند (Ibid., 259).

۳-۸-۳. ازدواج مجاز در دادستان

در کتاب دادستان، اجازه ازدواج از پشت پنجم به بعد داده می‌شود: «قوانین امر می‌کنند که فرد مجاز نیست تا پشت چهارم رابطه زناشویی داشته باشد، این همان چیزی است که تورات می‌گوید ازدواج با نسل سوم از فرزندان ممنوع است به روشنی این را می‌رساند که ازدواج با پشت چهارم اجازه داده شده و کسی که ازدواج می‌کند پشت پنجم است» (Ibid., 258).

نکته قابل ذکر اینکه گرچه در احوال شخصیه فعلی ارامنه اجازه ازدواج از پشت پنجم داده شده است، اما تفاوت این است که در شمارش درجات گش درجه جامع نسب را هم در محاسبه می‌آورد اما در احوال شخصیه این‌گونه نیست. به گفته کشیش زرگریان، ازدواج «در درجات و نسل‌های بعدی هم لااقل ناخوشایند تلقی می‌شود و به موافقت مقامات کلیسا نیازمندا است» (تیموری و حیدری، ۷۴).

۳-۸-۴. درجات مجاز و ممنوع برای ازدواج در دادستان

گش دربارهٔ درجات گوناگونی که می‌توان برای ازدواج تصور کرد و مجاز و غیرمجاز بودن آن‌ها را غالباً با استناد به کتاب عهد عتیق این‌گونه تبیین می‌کند:

● طبق تورات و احکام آن‌ها بر اساس آنچه در ذیل می‌آید، افراد می‌توانند ازدواج کنند خواه آنان فرزندان برادران یا دیگران باشند. از آنجا که والدین اولیئهٔ آنان در شمارش به حساب نیامده‌اند، آنان پشت چهارم و پنجم نامیده می‌شوند. علاوه بر این، پایین‌تر از آن نباید ازدواج صورت گیرد زیرا گفته شده اگر یک طرف درجه چهارم باشد و طرف دیگر درجه اول باشد این مناسب نیست. این موضوع از عهد عتیق روشن می‌شود که می‌گوید نباید برهنگی او را آشکار کنی (لاویان، ۱۸-۱۸). برای اینکه این کار برای درجه سوم ممنوع و از درجه چهارم پذیرفته است، فردی که ازدواج می‌کند پشت پنجم می‌شود. اگر فرد از پشت پنجم باشد این نیکوست (GoS, 255).

● اگر از یک طرف درجه سوم و طرف دیگر هم درجه سوم باشد (به‌عنوان مثال، دو خواهرزاده یا خواهرزاده با برادرزاده) ازدواج ممکن است. اگر یک طرف درجه سوم و طرف دیگر درجه چهارم باشد نیز ممکن است چون عهد عتیق اجازه داده پشت پنجم با چهارم ازدواج کند. برای فرزندان نیز طبق همین الگو عمل می‌شود. اگر دو طرف درجه سه باشند هم به همین نحو است (Ibid., 260).

● اگر از یک طرف درجه سه و طرف دیگر یک باشد (مثل عم و برادرزاده) ازدواج ممکن نیست، همین‌طور اگر دو طرف درجه دو باشند (مثل خواهر و برادر)؛ زیرا در صورتی که ازدواج رخ دهد درجه ۲ باقی ماند نه سه؛ اگر فرضاً چنین ازدواجی صورت گیرد آن‌ها باید ازدواج را فسخ کنند و اگر نتوانند باید شرایط را از طریق توبه اصلاح کنند، اما اگر در صورت غفلت رابطه خانوادگی ایجاد کرده باشند که مستوجب ملامت از سوی حکم الهی گردند، باید به شیوه‌ای متفاوت بخشیده شوند (Ibid., 269).

● اگر یک طرف درجه دو و طرف دیگر درجه یک باشد (مثلاً پدر و نوه) مطلقاً اجازهٔ این کار را ندارند، ولو آن‌ها اصرار بر این کار داشتند باید آن را فسخ کنند. اگر نتوانند یا از روی گستاخی یا به سبب اینکه شاهداده هستند نخواهند ازدواج را فسخ کنند، باید به شیوه‌ای سخت مورد تأدیب قرار گیرند؛ اما اگر این کار از روی غفلت صورت گرفته باشد طبق آنچه گفته شد، آن‌ها باید به شیوه‌ای متفاوت بخشیده شوند و برای شاهدادگان نیز الگوی متفاوتی از تدبیر در همه امور وجود دارد (Ibid., 261).

● در صورتی که هر دو طرف درجه یک باشند (پدر یا مادر با فرزند)، خواه از روی غفلت یا آگاهانه قرار گذاشته باشند، مطلقاً نباید زناشویی کنند و باید همراه با لعن و تکفیر ازدواج آن‌ها فسخ شود. اگر ازدواج را فسخ نکنند، باید معاشرت و مشارکت با آن‌ها قطع شود و آنان به‌عنوان زناکار از جمع رانده شوند تا زمانی که توبه کنند و با استغفار اصلاح گردند (Ibid., 261).

به هر حال، فرد مجاز نیست با افراد تا پشت چهارم یا پنجم رابطه زناشویی داشته باشد. در عهد عتیق نیز آمده است: برای سومین نسل از فرزندان است که آن ممنوع شده به‌روشنی این معنا را می‌رساند که ازدواج با نسل چهارم مجاز است و فردی که ازدواج می‌کند پشت پنجم محسوب می‌شود و در همه رابطه‌ها، این موضوع فهمیده می‌شود (Ibid., 262).

۳-۹. درجه مجاز ازدواج در عرف ارامنه گریگوری معاصر

در زمان حاضر با تأثیر از احکام و قوانین کلیسای ارمنی، ازدواج با اقربای نزدیک نسبی اجازه داده نمی‌شود. بر اساس گفته‌های سردفتر ازدواج ارامنه اصفهان، ازدواج با خویشاوندان تا هفت پشت امکان‌پذیر نیست: «سه پشت از طرف دختر و چهار پشت از طرف پسر». این قانون در قرن چهارم در مجموع دوازده قانونی قرار داشته که نرسس کبیر (مته نرسس)، جاثلیق اعظم آن زمان، وضع کرده است. در آن زمان، اعتقاد این بود که اگر طرفین هم‌خون باشند از نظر جسمی و روانی دچار مشکل می‌شوند؛ سلامت روانی در ازدواج مهم‌تراست (زرگریان، «مصاحبه حضوری»).

۳-۱۰. دیگر موانع ازدواج در قرون وسطی

تعهد پیشین ازدواج، عدم تعمیم و سوگند رهبانیت. به‌موجب احکام شرع طرفین مکلف بودند که موقع عقد ازدواج هیچ‌گونه تعهدی ناشی از ازدواج‌های قبلی نداشته و هیچ‌گونه سوگندی برای ترک دنیا یاد نکرده باشند. ازدواج با یک شخص تعمیم‌نندیده ممنوع بود (دورانت، ۲۴۹۷). همین موضوع در ۹ مانعی که نرسس تانگیان برای ازدواج برمی‌شمارد و ازدواج را در صورت نبود آن‌ها ممکن می‌داند می‌توان دید که چند مورد آن پیش‌تر اشاره شد و موارد دیگر عبارت‌اند از اینکه یکی از دو نفر با شخص ثالثی رابطه نداشته باشد. به عبارت دیگر، همسر یکی از طرفین ازدواج در قید حیات نیست و ازدواج فسخ نشده است. دیگر اینکه طرفین ازدواج راهب و راهبه نباشند و داماد کشیش یا

سارگاواگ نباشد (تانگیان، ۹۱۲). در احوال شخصیه اشاره‌ای به شرایط پیش از ازدواج مانند عدم تعمیم یا تعهد به ازدواج قبلی و سوگند ترک دنیا نیست.

۳-۱۱. ثبت و اجرای مراسم ازدواج در میان ارمنه گریگوری

زوجین در صورت داشتن شرایط مذکور می‌توانند زندگی شرعی خود را پس از ثبت آغاز کنند. ازدواج‌های عرفی تا اواخر قرن هشتم و نهم م. خیلی رایج بودند و تا زمان شورای ترنت معتبر تلقی می‌شدند. شورای ترنت (۱۵۶۳ م.) فرمانی صادر کرد که هیچ ازدواجی اعتبار نخواهد داشت مگر اینکه توسط یک کشیش و حداقل توسط دو شاهد برگزار شود (Foley, 435). و کلیسا کم‌کم حدود صلاحیت خود را توسعه داد تا آنکه بالمآل هر مرحله‌ای از مراحل ازدواج را - از وظایف طرفین در حجله عروسی گرفته تا آخرین وصیت‌نامه زوجه محتضر - شامل شد (دورانت، ۲۴۹۸).

قانون شماره ۱۵ مصوب شورای محلی شهر دوین به سال ۷۱۹ م. به این موضوع اشاره دارد که مراسم ازدواج را باید در کلیسا انجام داد. هر کس با این قانون مخالفت ورزد و مراسم را در جای دیگری انجام دهد، کشیش از مقام خود عزل و ازدواج فسخ گردد تا اینکه مجدداً در کلیسا برگزار گردد (تانگیان، ۳۶۳). در احوال شخصیه ماده ۲۴ بیان می‌دارد عقد ازدواج باید توسط شخص روحانی واجد صلاحیت انجام گیرد عقد ازدواج مطابق قواعد و رسوم کلیسای مسیحی گریگوری ارمنی اجرا و در دفاتر رسمی ازدواج طبق قانون کشور به ثبت برسد و گواهی‌های ازدواج و اسناد مقرر طبق قوانین کشور به زوجین داده شود.

از آنجا که سند ازدواج همان سند موجود و عمومی در کشور است، بخش‌هایی که با احوال شخصیه آنان تناسب ندارد از عبارت «مطابق احوال شخصیه مذهبی خود می‌باشد» استفاده می‌گردد و در متن سند نیز در بخش طرف ایجاب نام کشیشی که عقد را انجام می‌دهد. در بخش طرف قبول سردفتری را که مسئول ثبت ازدواج است امضا می‌کنند و در قسمت شرایط ازدواج قید می‌شود که مطابق احوال شخصیه مذهبی خود است و در بخش صداق قید می‌شود که مهر ندارد (زرگریان، «مصاحبه حضوری»).

نتیجه گیری

جدول مقایسه حقوق قدیم و جدید ارامنه گریگوری در بحث شرایط زوجین	
در احوال شخصیه به تبعیت از قانون فرانسه برای دختر ۱۵ و برای پسر ۱۸ سال تعیین شده است.	قابلیت صحی: در مجمع سیس ابتدای قرن ۱۳ م. سن دختر ۱۲ و برای پسر ۱۴ سال تعیین شد.
رضایت تنها در صورت صغیربودن یا کبیر تحت قیمومیت لازم است اما بنابر عرف رضایت ولی نیاز است.	رضایت ولی: در قرن ۱۲ م. رضایت والدین دختر و پسر ضروری بود و بدون آن نکاح باطل بود.
رضایت طرفین لازم است.	رضایت طرفین لازم بود.
هم‌کیشی زوجین ضروری است.	هم‌کیشی زوجین: طبق آموزه‌های دینی هم‌کیشی زوجین ضروری بود.
از شورای ترنت ازدواج باید در کلیسا و با حضور روحانی انجام شود.	تا زمان شورای محلی دوین (۷۱۹ م.) و شورای جهانی ترانت (۱۵۶۳ م.) ازدواج عرفی نیز قانونی و شرعی بود.
در احوال شخصیه تا درجه ۵ در عرف ارامنه تا ۷ پشت منع ازدواج است.	ممنوعیت ازدواج با اقارب نسبی: در طول زمان متفاوت بود: قرن ۷ و ۸ م. تا پشت چهارم، نظر نرسس شنورهالی قرن ۱۲ م. تا درجه هشت و نهایتاً حکم مجمع سیس قرن ۱۳ م. تا درجه شش ممنوع شد.
قرابت سببی و فرزند تعمیدی تنها در درجه ۱ منع ازدواج دارد. قرابت فرزندخوانده و فرزند ناتنی همانند قرابت نسبی است و طبق احوال شخصیه تا درجه ۵ و طبق عرف تا درجه ۷ منع ازدواج دارد.	قرابت سببی: تا درجه ۵ قرابت فرزند تعمیدی تا درجه ۳ و قرابت فرزندخوانده تا درجه ۶ منع ازدواج داشت.
قرابت رضاعی وجود ندارد.	قرابت رضاعی: وجود داشت و مانع ازدواج بود.

چنان‌که در مقاله مستندات آن‌ها آمده دایره حرمت ازدواج در بین ارامنه بسیار بیش از پیروان دیگر ادیان و فرقه‌هاست، و علاوه بر خویشاوندان درجه یک و درجه دو، فرزندان، نوه‌ها، و نتیجه‌های عمو، عمه، دایی و خاله را و حتی تا درجه ۷ را در برمی‌گیرد در صورتی که در کتاب مقدس تا درجه ۴ محدود شده بود. شگفتا با وجود شمار اندک

نسبی آنان در کشورهایی که به‌عنوان اقلیت زندگی می‌کرده‌اند، یافتن داماد و عروس چقدر با مشکل مواجه بوده و تحولات اساسی جز در قرابت رضاعی دیده نمی‌شود و همچنان نهاد ازدواج در میان ارامنه، که شاخهٔ ارتدکس مسیحی دانسته می‌شوند، مانند کاتولیک‌ها نهاد دینی است و بدون اذن و اجرای کلیسا اجرا نمی‌شود.

قانون منع ازدواج با اقارب تا پشت چهارم، برگرفته از کتاب *دادستان*، چنان‌که گذشت عمدتاً برگرفته از شریعت یهود بوده است؛ چنان‌که مخیتار گُش در توضیحات خود به باب ۱۸ سفر لایوان استناد می‌کند. با این حال، این ممنوعیت در میان مسیحیان و به‌ویژه موضوع این نوشتار یعنی در بین مسیحیان گریگوری محدودهٔ گسترده‌تری دارد و چنان‌که ذکر شد هفت پشت یعنی چهار پشت پدری و سه پشت مادری را دربرمی‌گیرد. گرچه در احوال شخصیه اجازهٔ ازدواج از پشت پنجم داده شده، اما طبق عرف و بنابر قداستی که عدد ۷ دارد، ممنوعیت ۷ پشت رعایت می‌شود.

منابع

۱. امامی، حسن. حقوق مدنی، جلد چهارم. تهران: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۵۳.
۲. آوانسیان، آیددا. حقوق زن در کلیسای ارمنی. تهران: مرکز گفتگوی ادیان و تمدن‌ها، بی‌تا. www.cid.icro.ir
۳. تانگیان، نرسیس ملیک. حقوق کلیسای ارمنی (به زبان ارمنی). تهران: بخش تربیت مسیحی خلیفه‌گری ارمنه تهران، ۲۰۰۴.
۴. تیموری، اعظم، حسین حیدری. گزارش تاریخی و مردم‌شناسی آیین‌ها و باورهای ارمنیان اصفهان، قم: یاقوت، ۱۳۹۸.
۵. دورانت، ویل. تاریخ تمدن. ترجمه: احمد آرام. مجلدهای سوم و چهارم. چاپ دوم. ویرایش ششم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.
۶. رضا، عنایت الله. «ارمنیان»، مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، جلد دوم. بازدید در ۱۳۹۸. <https://www.cgie.org.ir/fa/article/233111/%D8%A7%D8%B1%D9%85%D9%86%DB%8C%D8%A7%D9%86>
۷. زرگریان، خاچاطور. مصاحبه حضوری. خردادماه ۱۳۹۴.
۸. ساروخانی، باقر. مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. چاپ پانزدهم. تهران: انتشارات سروش، ۱۳۸۸.
۹. سیمونی، آندرانیک. «ارمنیان». مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی. جلد اول. بازدید در ۱۴۰۰. <https://www.cgie.org.ir/fa/article/238344/%D8%A7%D8%B1%D9%85%D9%86%DB%8C%D8%A7%D9%86>
۱۰. ضیایی، مژگان. «ازدواج و زناشویی در میان ارمنه اصفهان». فرهنگ مردم ایران، تابستان ۱۳۷۸، ۲۰۶-۱۹۳.
۱۱. کانونیان، ناصر، حقوق مدنی خانواده. چاپ سوم. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۲.
۱۲. کتاب مقدس. انگلستان: انتشارات ایلام، بی‌تا.
۱۳. کونگ، هانس. زن در مسیحیت. مترجمان: طیبه مقدم و حمید بخشنده. قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۸.
۱۴. گوینده، حمید. «احوال شخصیه»، دائره‌المعارف بزرگ اسلامی، جلد هفتم، بازدید در ۱۳۹۹. <https://www.cgie.org.ir/fa/article/228164/%D8%A7%D8%AD%D9%88%D8%A7%D9%84-%D8%B4%D8%AE%D8%B5%DB%8C%D9%87>
۱۵. گیدنز، آنتونی. جامعه‌شناسی. مترجم: حسن چاوشیان. چاپ نهم. تهران: نشرنی، ۱۳۹۳.
۱۶. متقی، محمدکریم. «جلفا»، مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، جلد هجدهم، بازدید در ۱۳۹۸. <https://www.cgie.org.ir/fa/article/223392/%D8%AC%D9%84%D9%81%D8%A7-%D8%AF%D8%B1-%D8%A7%D8%B5%D9%81%D9%87%D8%A7%D9%86>
۱۷. ناس، جان. تاریخ جامع ادیان. ترجمه: علی اصغر حکمت. تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۰.
۱۸. «نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن»، تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۷.
۱۹. هولم، جین. زن در ادیان بزرگ جهان. ترجمه: علی غفاری. تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۴.
20. Foley, W. M. "Marriage (Christian)". *Encyclopedia of Religion and Ethics*. Edited by James Hastings. Vol VIII. England: The Scholar Press Likley. 1980.
21. Goş, Mxita'r, *The Lawcode [Datastanagirk'] of Mxita'r Goş*, Translated With Commentary and Indices by Robert W. Thomson. Amsterdam/ Atlanta: Rodopi, 2000.
22. Tiran, Nersoyan. "Armenian Church". *Encyclopedia of Religion*. Vol. 1. Edited by Mircea Eliade. Macmillan: Macmillan Publishing Company, 1986.